

انحرافات جنسی جوانان
و
راه‌های علاج آن با استفاده
از
قرآن و سنت

مؤلف:
احمد شادی

مترجم:
ماجد احمد یانی

فهرست

ش	موضوع	صفحه
1	مقدمه‌ی مترجم	3
2	مقدمه‌ی مؤلف	4
3	فصل اول:	7
4	اسباب و دلایل انحرافات جنسی و راه‌های علاج آن	7
5	دلیل دوم: خوابیدن کودکان باهم در یک بستر	14
6	دلیل سوم: از دلایل انحرافات جنسی نزد جوانان	19
7	فصل دوم:	21
8	آداب و دستوراتی که جو انان از آن غافلند	21
9	مقدمه‌ی مهم	22
10	تعقیب	35
11	مساله‌ی روز: کسانی که دزدکی به منازل دیگران نگاه می‌کنند	36
12	اهداف موضوع	40
13	حسن ختام	42

بسم الله الرحمن الرحيم

کتابی که پیش روی خوانندگان عزیز قرار دارد، ترجمه‌ی کتاب (الانحرافات الجنسي عند الشباب وطرق علاجها من القرآن والسنة) اثر استاد احمد شادی می‌باشد.

با توجه به این که این ترجمه اولین اثر مترجم می‌باشد، لذا از نوشتن مقدمه خودداری و به جای آن چند نکته را در خصوص کتاب تقدیم خواهم نمود.

1- نظر به اولین کار مترجم، قطعاً بدون اشکال و خالی از عیب نخواهد بود.

لذا هرکسی به هر نحوی ما را رفع اشکال و یا دادن تذکر و نصیحت برای چاپ‌های بعدی و یا احیاناً ترجمه‌های آتی یاری نماید، موجب تشکر و امتنان خواهد بود.

2- در ترجمه‌ی متون سعی شده که عین عبارات عربی ترجمه گردد و در آن دخل و تصرفی صورت نگیرد، مگر در مواردی بسیار اندک که ترجمه‌ی عین لفظ عربی گویای مطلب نباشد.

3- در ترجمه‌ی آیات از تفسیر نور نوشته‌ی دکتر مصطفی خرم‌دل استفاده شده است.

4- ضمناً از دوست و برادر گرامی جناب آقای رسول ابوالمحمدی که با تشویق ایشان این کار را شروع و به پایان رساندم، نهایت سپاس و تشکر را دارم.

5- و در پایان این ترجمه را به جوانان عزیز مخصوصاً شاگردانم در مدارس سطح شهر سقز که همیشه دلم به یادشان می‌تپد، تقدیم می‌نمایم. امیدوارم که موجب رضای خدا و استفاده‌ی خانواده‌ها و نیز جوانان گردد.

ماجد احمد یانی- تابستان 82 سقز

مقدمه‌ی مؤلف

بعد از سپاس و ستایش خداوند سبحان و درود و صلوات بر فرستاده اش و ایمان به یگانگی ذات مبارکش و ایمان به رسالت رسولانش.

و اما بعد:

در این روزگار که انواع و اقسام فتنه‌ها و وسایل و امکانات لهو و لعب و سرگرمی و فساد را در دریا و خشکی ترویج کرده اند؛ از فراوانی انحرافات جنسی میان جوانان و غیر جوانان می‌شنویم، چیزهایی می‌شنویم که هیچ صاحب عقلی و هیچ انسان متدین با اخلاقی آن را تأیید نکرده و به آن راضی نم‌شود.

امروزه جوانان در محدوده‌ای فارغ از دین و اخلاق زندگی می‌کنند. مسیری را در پیش گرفته اند که سراسر پوچی و سرگردانی است، (مسیری که در آن هیچکس حاضر نیست دست دیگری را بگیرد و به سوی نور و روشنایی ایمان هدایت می‌کند). هدایتی که خداوند عزوجل برای بندگان مقرر فرموده است. مشکل و مسأله‌ی اساسی نزد جوانان همان انحرافات جنسی است که بعضی می‌پندارند راه حل و چاره‌ای برای آن نیست. (اما باید گفت) که راه حل در کتاب خدا و سنت پیامبرش موجود است و اگر بخواهیم در خصوص این مشکل که به نظر می‌رسد راه حل و چاره‌ای ندارد؛ اظهار نظر نماییم لازم است که به کتاب خدا و سنت رسولش باز گردیم که به یاری پروردگار متعال راه حل کافی و دوای شافی را در آن خواهیم یافت.

و اما دستیابی به راه حل باید که از اساس و زیر بنا آغاز کنیم تا پایه و اساسی محکم و استوار داشته باشیم. پس باید اول از همه چیز در مورد اسباب و دلایل انحرافات و راه‌های نجات از آن در پرتو کتاب خدا و سنت پیامبرش ρ جستجو کنیم.

وقتی به این مسأله می‌نگریم، می‌بینیم که شامل سه مرحله است:

1- **مرحله ی اول :** و آن از سن 2 یا 3 سالگی شروع و تا سن بلوغ ادامه می یابد.

خداوند متعال می فرماید: ﴿مِنْ مَّا مَنَعَنَا أَنْ نَنْزِلَ فِي الْأُمَمِ مِنْ قَبْلِهَا أَنْ تَقُولُوا مَا خَلَائِفُكَ إِذَا مَلَأْنَا الْأَرْضَ بِعِبَادِكَ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ (سوره ی نور، آی ه ی 58).

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید؛ باید بردگان شما و همچنین کودکان تان به حد بلوغ نرسیده اند (ولی مسائل جنسی و عورت و غیر آن را تمییز و تشخیص می دهند؛ به هنگام ورود به اطاق های خواب مردان و همسران) در سه وقت اجازه بگیرند».

2- **مرحله ی دوم :** و آن بعد از سن بلوغ است، آنچنان که خداوند متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا زَوَاجَكُمْ إِذَا رَكَبُوا السَّابِقَ فِي الْيَوْمِ الَّذِي كَفَرْتُمْ فِيهِ ۚ إِنَّكُمْ بِعُيُُنَيْكُمْ كُنْتُمْ ۚ﴾ (سوره ی نور، آیه ی 27).

ترجمه: «ای مؤمنان! وارد خانه هایی نشوید که متعلق به شما نیست، مگر بعد از اجازه گرفتن (با زدن زنگ یا کوبیدن در و کارهایی جز اینها) و سلام کردن بر ساکنان آن؛ این کار برای شما بهتر است (از ورود بدون اجازه و سلام) امید است شما (این دو چیز را به هنگام رفتن به منازل دیگران رعایت و آنها را) را مدّ نظر داشته باشید».

3- **مرحله ی سوم :** و آن شامل دوران کودکی و بزرگسالی می شود، چون خداوند متعال

می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا زَوَاجَكُمْ إِذَا رَكَبُوا السَّابِقَ فِي الْيَوْمِ الَّذِي كَفَرْتُمْ فِيهِ ۚ إِنَّكُمْ بِعُيُُنَيْكُمْ كُنْتُمْ ۚ﴾ (سوره ی نور، آیه ی 27).



③ ◆ ◀ ▶ → ☆ □ ◻ ◆ (سوره‌ی نور، آی‌ه‌ی

30).

ترجمه: «(ای پیغمبر) به مردان مؤمن بگو (آنان موظفند که از نگاه به عورت و محل زینت نامحرمان) چشمان خود را فرو گیرند و عورت‌های خویشان را (با پوشاندن و دوری از پیوند نامشروع) مصون دارند، این برای ایشان زیبنده تر و محترمانه تر است، و بی‌گمان خداوند از آنچه می‌دهید آگاه است (و سزا و جزای رفتارشان را می‌دهد)».

این نوشتار که پیش دست خوانندگان عزیز قرار دارد، از مهم‌ترین اسباب و دلایل انحراف در مرحله‌ی اول که از سنین 2 و 3 سالگی تا دوران بلوغ می‌باشد، بحث می‌کند.

فصل اول

اسباب و دلایل انحرافات جنسی و راه‌های علاج آن

الف : **دلیل اول** : آموزش ندادن آداب استئذان (اجازه‌ی ورود خواستن) به کودکانی که به سن بلوغ نرسیده اند، آنچنان که در سوره‌ی مبارکه‌ی نور آمده است.

ب: **دلیل دوم** : جد نکردن بستر خواب کودکان از همدیگر؛ طبق فرمایش رسول خدا .p

ج: **دلیل سوم** : خوابیدن یکی از فرزندان در اطاق خواب والدین بعد از سن 2 و 3 سالگی.

اگر از این دلایل سه گانه چشم‌پوشی کنیم، و از آن غافل شویم؛ جوانان (در آینده) در منجلاب انحرافات جنسی خواهند افتاد، و این مسأله از مهم‌ترین مسائلی است که دشمنان اسلام و دشمنان بشری از راه‌ها و با استفاده از وسایل گوناگون توانسته اند، جوانان ما را به سوی این جریان فاسد سوق دهند و این کار را با تمام توان با ویران‌کردن آداب و اخلاق و دوری از دین؛ و با هر وسیله یا اسلحه‌ی گمراه‌سازی که ویرانگر اخلاق و آداب و دین باشد؛ انجام داده اند.

و آیاتی که پیش روی ماست به ما می‌آموزند که چگونه خانواده ای با آرامش اعصاب و روان و دارای احساس پاک و نیت خالص، قلب سلیم و صاحب افکار ناب و پاکیزه تربیت کنیم.

این آیات دست ما را بر روی راه حل نهایی برای این مسأله ی دشوار و جدی می‌گذارد، بیاید باهم اولین راه حل را برای این مسأله از خلال کلام خداوند عزوجل بخوانیم:

1- **راه حل برای دلیل اول**: که عبارت بود از این که کودکانی که به سن بلوغ نرسیده اند، آداب استئذان (اجازه خواستن) را آنچنان که در سوره‌ی نور ذکر شده نیاموخته

اند، خداوند متعال می فرماید:

﴿۵۸﴾ وَاذْكُرُوا لَكُمْ حُرْمَةَ اٰیٰتِنَا الَّتِي كُنْتُمْ تُكْفَرُوْنَ ۗ لَعَلَّكُمْ تُتَّقُوْنَ ﴿۵۸﴾
 ﴿۵۸﴾ وَتَذَكَّرُوْنَ ۗ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۵۸﴾
 ﴿۵۸﴾ وَتَذَكَّرُوْنَ ۗ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۵۸﴾
 ﴿۵۸﴾ وَتَذَكَّرُوْنَ ۗ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۵۸﴾
 ﴿۵۸﴾ وَتَذَكَّرُوْنَ ۗ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۵۸﴾
 ﴿۵۸﴾ وَتَذَكَّرُوْنَ ۗ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۵۸﴾
 ﴿۵۸﴾ وَتَذَكَّرُوْنَ ۗ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۵۸﴾
 ﴿۵۸﴾ وَتَذَكَّرُوْنَ ۗ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۵۸﴾
 ﴿۵۸﴾ وَتَذَكَّرُوْنَ ۗ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۵۸﴾
 ﴿۵۸﴾ وَتَذَكَّرُوْنَ ۗ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۵۸﴾
 ﴿۵۸﴾ وَتَذَكَّرُوْنَ ۗ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۵۸﴾

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید، باید بردگان شما و همچنین کودکان تان که به حد بلوغ نرسیده اند (ولی مسائل جنسی و عورت غیر آن را تمییز و تشخیص می دهند، به هنگام ورود به اطاق های خواب مردان و همسران) در سه وقت اجازه بگیرند، پیش از نماز صبح، و در نیم روز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را درمی آورید و بعد از نماز عشاء (این اوقات) سه وقت (ویژه ی خلوت و آشکارشدن) عورت شماست، بعد از این سه وقت بر شما و آنان گناهی نیست، بدون اجازه وارد شوند (آنان خدمتکاران و کوچگان شما هستند و مشکل است هربار در سایر اوقات اجازه بگیرند) ایشان دور و بر شما در رفت و آمدند و شما نیز دور و برایشان در رفت و آمدید (و با صفا و صمیمیت خانوادگی به یکدیگر خدمت می نمایید) اینگونه (صریح و روشن) خداوند آیات را برای شما توضیح و تبیین می کند (تا خویشتن را در پرتو احکام قرآنی متأدب به اخلاق اسلامی کنید)».

این آیه از آیات سوره ی مبارکه ی نور می‌باشد. سوره‌ای که طی آن خداوند بر ما واجب نموده (این آداب را) بیاموزیم و بیاموزانیم. بطوری که در ابتدای سوره

می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

ترجمه: «(این) سوره‌ی مهمی است که ما آن را وحی کرده ایم (و احکام) آن را واجب نموده ایم، و آیه‌های واضحی و (دلایل روشنی که دالّ بر قدرت و یگانگی یزدان و آسمانی بودن قرآنند) در آن فرو فرستاده ایم تا این که پند بگیرند».

(راستی) چرا خداوند متعال به مؤمنان دستور می‌دهد که آن را یاد بدهند و (یاد گیرند)؟

چون این سوره بسیاری از مسائل اخلاقی و آدابی که اکثر مردم از آن دور گشته اند، را حل می‌کند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...» ای کسانی ایمان دارید که خداوند پروردگار است و اسلام دین شماست، و محمد پیامبر و رسول می‌باشد، به خدمتکاران و فرزندان تان تا زمانی که به سن بلوغ نرسیده اند این آداب گرانقیمت و ارزشمند را بیاموزید. یعنی این آداب و دستورات مخصوص خدمتکاران و فرزندان است که به سن بلوغ نرسیده اند.

بنابراین، سن بلوغ کدام است؟ آیات قرآنکریم به این مهم اشاره کرده اند.

آنجا که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ عَالِمُونَ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ عَالِمُونَ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ عَالِمُونَ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ عَالِمُونَ﴾

... (سوره‌ی نور، آیه‌ی 59).

یعنی: کودک به مجرد احتلام (دفع ناگهانی شهوت در حال خواب یا بیداری) به سن بلوغ می‌رسد و مکلف می‌شود، فقها همگی بر این مطلب اتفاق نظر دارند که هرگاه کودک احتلام شد، بالغ شده و دیگر کودک نیست و

نیز کنیز و دختر (زاد) هرگاه احتلام شدند و (خون حیض از آنان جاری گشت) یا توانایی حاملگی را کسب کردند، بالغ شده و به سن تکلیف رسیده اند و این مطلب مورد اتفاق همگی فقها بوده و در آن هیچکس اختلاف ندارد، اما فقها بر مقدار سنی که در آن انسان به سن تکلیف می‌رسد، اختلاف نظر دارند. و در این خصوص دو نظریه وجود دارد:

- 1- فقهای حنفی‌مذهب معتقدند که کودک تا زمانی که 18 سال را تمام نکرده باشد، به سن تکلیف نمی‌رسد.
 - 2- ولی فقهای شافعی و حنبلی 15 سال بر این باورند که پسر یا دختر وقتی که به سن 15 سالگی رسید، دیگر بالغ شده و به سن تکلیف رسیده است.
- و هرکدام برای نظریه‌ی خود دلایلی دارند. به هر حال سن بلوغ چه 18 سال یا 15 سال باشد و چه یکی از نشانه‌های بلوغ مانند: رویش مو و ریش و سبیل برای پسران و برجستگی پستان‌ها یا حیض برای دختران باشد، عامل اساسی همان احتلام است، همچنانکه خداوند سبحان در این آیه به واژه‌ی «الحلم» اشاره می‌فرماید.
- پس بر اولیای امر لازم است که فرزندان را قبل از رسیدن به سن بلوغ، آداب اجازه‌گرفتن بیاموزند و این آداب در سه وقت است.


الف: وقت اول ﴿۱۱۱﴾ قبل از نماز صبح.

چون در این هنگام مردم در لباس خواب به سر می‌برند و چه بسا پدر یا مادر در این موقع در ظاهری غیر معمول می‌باشند، یا لباسی غیر از لباس خواب به تن دارند. و (ممکن است) بعضی از اعضای بدن نمایان باشد و یا در حالتی غیر معمول همچون هم آغوشی (با همسر) و غیره بسر ببرند، برای روشن‌تر شدن مطلب به این نمونه توجه کنید:

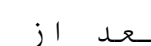
«روزی با یکی از دوستان صحبت می‌کردم، او نیز از یکی از دوستانش برای من نقل کرد که در هنگام همبستری با همسرش ناگهان در اطاق باز شده و پسرش بالای سرشان ظاهر شده است».

این مسأله واقعاً مشکل و آزاردهنده است، باید دید که چرا چنین حالت مشکلی پیش آمده است؟ اگر چنین حالتی برای شما پیش آید و شما به جای این پدر باشید، چه احساسی خواهید داشت، و چه خواهید کرد؟ پس مقصر (اصلی) پسر نیست، بلکه پدر است که آداب اجازه‌گرفتن را قبل از ورود، در این اوقات به او نیاموخته است، آموزش این آداب مانع ظهور و پیدایش آثار زشتی که در ذهن این پسر یا دختر بوجود می‌آید، می‌شود و این آثار هنگامی که به سن بلوغ رسید به صورت ترس و افسردگی شکننده ظاهر شده و در اعماق ذهنش نفوذ می‌کند (و فکر و ذکرش) را به خود مشغول می‌کند و به آن میل جنسی می‌گویند.

ب: وقت دوم  

 و هنگام ظهر که لباس‌های (معمولی) از تن بیرون می‌آورید. و این هنگام وقت خواب نیم روز است. هنگامی که پدر و مادر در حال خواب (و استراحت) نیمروز به سر می‌برند و (احتمالاً) بدلیل استراحت و گرمای هوا لباس‌های (معمولی) را از تن بیرون می‌آورند و یا اصلاً لباس به تن ندارند.

ج: وقت سوم  

 بعد از نماز عشاء.

و آن هنگامی است که پدر و مادر لباس‌ها را از تن بیرون آورده و خود را برای خوابیدن و استراحت مهیا می‌نمایند، پس این لباس‌ها (لباس‌های خواب) یا نازک هستند، یا قابلیت پوشاندن اعضای بدن را ندارند، در

نتیجه قسمتی با چیزی از عضای بدن والدین ظاهر و نمایان شده و یا طوری است که جایز نیست کسی آنان را در چنین حالتی ببیند. لازم است که فرزندان مان را که هن وز به سن بلوغ نرسیده اند، آموزش دهیم تا در این اوقات سه‌گانه (در شبانه روز) قبل از ورود بر ما اجازه بگیرند، چون این اوقات، اوقات عورت نامیده می‌شوند. چنانکه خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿لَا يَجْرِي عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ عَلَيْهِمْ أَنْ يَضَعُوا أَعْيُنَهُمْ عَلَىٰ مَا رَزَقْنَاهُمْ مِنْهُ بِغَيْرِ ذَمٍّ وَلَا عِلْمٍ﴾ این سه

وقت (ویژه‌ی خلوت و آشکارشدن) عورت شماس است. پس لازم است که فرزندان پدر و مادر خود را در نیکوترین شکل از اشکال عفت و پاکدامنی مشاهده نمایند، به گونه ای که ذره‌ای به حیا و ادب خدشه وارد نشود، و نباید هیچگاه عورت پدر یا مادر جلو فرزندان آشکار شوند.

و این دستور والای اسلامی که بسیا ری از پدران و مادران از آن غافل و بی خبرند، تأکید می‌کند که غلامان و خدمتکاران و کنیزان نباید چشم به عورت خانم خانه بدوزند، و همچنین کودکان خردسال نیز نباید اقدام به چنین مشاهداتی بنمایند. سبحان الله! بعد از گذشت چهارده قرن از نزول این آیات، دانشمندان علم روانشناسی اقرار می‌کنند، به این که مناظری که کودکان در کودکی به آن چشم می‌دوزند (در آینده) بر زندگی شان تأثیرگذار بوده و موجب تغییرات شخصیتی در آنها می‌شود و در شکلگیری شخصیت آنها مؤثر خواهد بود. همچنین دانشمندان علم روانشناسی تأکید می‌کنند که چنین مناظری که کودکان در کودکی به آنها می‌نگرند موجب ناراحتی‌های روحی و عصبی می‌گردد که رهایی از آنها مشکلی است، پس با این وصف کدامیک می‌خواهید فرزندش به چنین ناراحتی‌ها و امراضی مبتلا گردد؟

بنابراین، بر ما لازم است که به راه حل و چاره بیندیشیم و به آنها بیاموزیم که

در این اوقات سه گانه قبل از ورود بر ما اجازه بگیرند.

اگر از این دستورات مهم اسلامی غفلت ورزیم، اولین سبب انحراف جنسی جوانان بعد از سن بلوغ را موجب شده ایم، و اینچنین است که مظاهر این انحرافات در روزگار ما در بسیاری از خانواده‌ها به دلیل غفلت پدر و مادرها از این دستورات گرانبها که خداوند به ما امر کرده به چشم می‌خورد. پیامبر گرامی اسلام ρ و یاران پاک و پاکدامن او که بر سفره ی انوار محمدی تربیت یافته اند، بهترین نمونه و الگو می‌باشند.

روزی یکی از زنان اصحاب نزد معلم امت، حضرت محمد ρ رفت تا در خصوص امری از ایشان سؤال نماید. بنگریم که از چه چیزی سؤال کرده است؟

روایت شده که اسماء دختر ابی مرثد خدمتکاری بزرگسال داشت. (روزی) خدمتکارش در وقتی که نباید وارد می شد بر او وارد شد. پس اسماء نزد پیامبر ρ آمد و گفت: «براستی خدمتکاران و غلامان ما در اوقاتی بر ما وارد می‌شوند که ما دوست نداریم (در چنین وضع و حالتی ما را مشاهده نمایند)» به این دلیل بود که اسماء نزد پیامبر اسلام ρ رفت و بلافاصله راه حل و علاج از آسمان نازل شد و خداوند فرمود:

﴿مَنْ جَاءَ مِنْكُمْ فَدَعُوهُ يُصَلِّمْ فَإِنْ كَانَ مِنْ ذُرِّيَّتِكُمْ فَلَا فَلَاحَ لَهُمْ شُرُكًا فِي شَيْءٍ﴾ (سوره ی

نور، آیه ی 58).

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید، باید بردگان شما و همچنین کودکان تان که به حد بلوغ نرسیده اند (ولی مسائل جنسی و عورت و غیر آن را تمییز می‌دهند، به هنگام

ورود به اطاق‌های خواب مردان و همسران) در سه وقت اجازه بگیرند».

و این امر از موقع نماز صبح (فجر) شروع می‌شود.

و در روایتی از مقاتل بن حیان نقل شده است که گفت: «به ما گفتند که مردی از انصار و همسرش (اسماء بنت ابی مرثد) غذایی برای پیامبر درست کرده (او را به سر سفره‌ی طعام دعوت کردند) اسماء گفت: ای پیامبر خدا چه چیزی از این زشت‌تر است که مردی با همسرش در زیر یک لحاف باشند و غلام‌شان بدون اجازه بر آنان وارد شود؟ پس این آیات نازل شد. و این مورد تنها کافی نیست، بلکه روایت شده که روزی هنگام ظهر رسول خدا μ غلامی از انصار را که «مدلج» نام داشت نزد فاروق اعظم حضرت عمر بن خطاب τ فرستاد تا او را دعوت نماید.

حضرت عمر τ در آن موقع خوابیده بود و در را به روی خود بسته بود، غلام در زد و (بلافاصله) وارد شد. حضرت عمر τ از خواب بیدار شد و نشست، در حالی که قسمتی از بدنش نمایان بود، حضرت عمر τ در این حال گفت: «دوست دارم که خداوند فرزندان و خدمتکاران ما را از ورود بدون اجازه در اینچنین اوقاتی نهی می‌فرمود». این را فرمود و به سوی پیامبر μ راه افتاد، به محض این که به خدمت پیامبر رسید آیه ی 58 از سوره ی نور از زبان پیامبر شنید که تازه نازل شده بود.

پس بر زمین افتاد و سجده ی شکر به جای آورد، و این واقعه هنگام ظهر بود، موارد زیادی وجود دارد که وحی موافق رأی و نظر حضرت عمر τ نازل شده باشد، و از اسباب نزول این آیه همچنین از ابن حاتم و او نیز از سدی روایت کرده است که گفت: از یاران رسول خدا μ مردمانی بودند که به همبستری با همسران شان در این مواقع افتخار می‌کردند، پس غسل کرده برای ادای

فریضه‌ی نماز خارج می‌شدند، خ داوند متعال به آنان امر فرمود که کنیزان و خدمتکاران و فرزندان خود را امر کنند که در اینگونه مواقع برآنان وارد نشوند، مگر این که اجازه بگیرند.

(این مطالب که بیان شد) بیان‌کننده‌ی اولین دلیل از دلایل انحرافات جنسی نزد جوانان است که موجب می‌شود، فرزندان والدین را در وضعی ببینند که به حجب و حیا خدشه وارد می‌کند، یا این که عورت یکی از والدین خود را مشاهده نمایند . بنابراین، واجب است که پدر و مادر در ظاهری متین و پرهیزگاران که نمایانگر عفاف و پاکی باشد در جلو فرزندان ظاهر شوند تا مایه‌ی ادب و سرمشق و الگوی حسنه باشند.

دلیل دوم : خوابیدن کودکان باهم در یک بستر

اگر بخواهیم از این موضوع چ یزی بدانیم و از اهمیت آن شناخت پیدا کنیم، لازم است که به سنت نبوی p مراجعه نماییم، آنجا که پیامبر می‌فرماید: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعٍ وَاصِرِبُوهُمْ وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ» .

ترجمه: «فرزندان‌تان را در سن هفت سالگی به نمازخواندن امر کنید، اگر به سن ده سالگی رسیدند از انجام نماز سر باز زدند آنان را به خاطر این سرپیچی بزنید (تنبیه کنید) و بسترهایشان را از همدیگر جدا سازید» .

پیامبر گرامی p که خود اولین معلم این امت است به ما امر می‌فرماید که فرزندان مان را از سن هفت سالگی به نمازخواندن عادت دهیم، تا بر اثر تکرار و تمرین بصورت ملکه و عادت درآید، و چون به سن ده سالگی رسیدند باید آنان را با احکام نماز آشنا سازیم، اگر در سن ده سالگی از انجام نماز سر باز زدند (فقط به خاطر ترک نماز) باید آنان را زد.

بنابراین، کودک که در سن هفت سالگی است بدون اکراه و از سر مهربانی دستور پدر و مادر را می‌پذیرد و توجیه و عادت دادنش به انجام دستورات عبادی از جمله نماز از طرف اولیاء بسیار آسان است و اگر به این کارها در کودکی عادت کند در سن ده سالگی و از آن به بعد نیز برایش سهل آسان است. اگر کودک در سن ده سالگی و بعد از آن نماز را ترک کند، بدون آن که اولیاء او را امر به انجام دادن آن نموده باشند، در این صورت نباید فرزند را سرزنش کرد، بلکه باید اولیاء را مورد طعن و سرزنش قرار داد که به وظیفه‌ی خود عمل ننموده اند.

پیامبر گرامی اسلام ρ خطاب به ابی هریره τ فرمود: «یا ابا هریره! مُرَّ أهلك بالصلاة فإن الله يأتيك بالرزق من حيث لم يتخسب».

ترجمه: «ای ابا هریره! خانواده ات را به نماز امر کن (پس اگر چنین کردی) خداوند روزی تو را از (دری) می‌رساند که فکرش را نمی‌کنی».

و مؤید این فرموده‌ی پیامبر کلام خداوند متعال است که فرمود:

﴿وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا رَبُّهَا كَاتِبًا عَلِيمًا﴾ (سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۰۱)

(132).

ترجمه: «خانواده‌ی خود را به گزاردن نماز دستور بده (چرا که نماز مایه‌ی یاد خدا و پاکی و صفای دل و تقویت روح است) و خود نیز بر اقامه‌ی آن ثابت و ماندگار باش. ما از تو روزی نمی‌خواهیم، بلکه به تو روزی می‌دهیم. سرانجام (نیک و ستوده) از آن (اهل تقوی) و پرهیزگاری است».

هرگاه که امر کردن خانواده به نماز سبب گشایش رزق و روزی است، پس وای بر تو و

خانواده ات؛ در دنیا و آخرت اگر آنان را امر نکنی.

به فرمایش خداوند سبحان گوش جان بسپار

که می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَوَىٰٓ ذَٰلِكُمْ ۖ هُوَ يُغْوِي بَعْضَهُمْ إِلَىٰ بَعْضِهِمْ فَلَا يُعْصِمُ عَنْ هَوَىٰٓ ذَٰلِكُمْ إِلَّا ذَمُّ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ ذَكِيمٌ﴾ (سوره ی

مریم، آیه ی 59).

ترجمه: «بعد از آنان فرزندان ناخلفی

(روی کارآمدند و در زمین) جایگزین شدند که نماز را (ترک کردند و بهره مندی از آن را) هدر دادند و بدنبال (لذایذ و) شهوات راه افتادند و (مجازات) گمراهی خود را (در دنیا و آخرت) خواهند، نماز را ضایع کردند و به خانه های خدا (مساجد) نزدیک نشدند».

در حالی که مؤذن الله اک بر می گوید، آنان بدنبال خوشگذرانی و لهو و لعب و کارهای بیهوده و پیروی از هوای نفس می باشند، و آنگاه که بندگان ایماندار خدا و جوانان مسلمان و مطیع فرمان خداوند در خانه های خدا هستند آنان در اماکن و مراکز لهو و لعب و فساد مشغول چریدن و خوشگذرانی هستند، پس نم از را ضایع می گردانند و از هواهای نفسانی پیروی می کنند.

پس ای پدر و ای مادر! (اگر سهل انگار باشی، و فرزندت را خوب تربیت نکنی) وای بر تو که جایگاهت در جهنم محلی است به نام «غی» و این به تنهایی کافی نیست، بلکه

خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَوَىٰٓ ذَٰلِكُمْ ۖ هُوَ يُغْوِي بَعْضَهُمْ إِلَىٰ بَعْضِهِمْ فَلَا يُعْصِمُ عَنْ هَوَىٰٓ ذَٰلِكُمْ إِلَّا ذَمُّ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ ذَكِيمٌ﴾ (سوره ی طه، آیه ی 124).

ترجمه: «و هرکه از یاد من روی بگرداند

(و از احکام کتابهای آسمانی دوری گزیند) زندگی تنگ و (سخت و گرفته ای) خواهد داشت

(چون نه به قسمت و نصیب خدا داری قانع خواهد شد و نه تسلیم قضا و قدر الهی خواهد گشت) و روز رستاخیز او را نابینا (و عرصه ی قیامت گسیل و با دیگران در آنجا) گرد می‌آوریم».

فقر و تنگ روزی در دنیا کوری نابینایی در آخرت. چون بالاتر و والاتر از نماز عبادتی نیست و اینچنین انسانی بالاترین و والاترین ذکر را ترک و ضایع کرده است. پس انسان با ترک نماز در دنیا در تنگ روزی دائم به سر خواهد برد و آیا از انحراف جنسی جوانان سیه روزی و تنگ روزی بزرگتر بازهم پیدا می‌شود؟

در نتیجه؛ دلیل دوم مطابق فرمایش پیامبر گرامی (و راه حلی که ارائه فرموده اند) این است: «وَفَرَّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ» و (کودکان‌تان) را در بسترها از هم جدا کنید.

جدایی و به تنهایی خوابیدن کودک در بستر امری مهم و بسیار خطیر است، و با سهل‌انگاری و ساده‌انگاشتن این امر موجبات انحراف جنسی و اخلاقی در آینده پدیدار می‌گردد.

استاد محمود مهدی استانبولی در کتاب «تحفه العروس» به این مطلب اشاره کرده است که عین عبارت به این شرح است: «جدا کردن بستر خواب فرزندان در سن ده‌سالگی یک دستور اسلامی است که متأسفانه بسیاری از آن غفلت ورزیده اند، و با کمال تأسف فردی اعتراف کرد که در اثر اهمال و سهل‌انگاری این دستور و سنت نبوی (پسر خاله و دختر خاله و پسر خاله اش (خواهر و برادر) با هم مرتکب عمل ناشایست شده اند».

امام ابن حزم در کتاب «طوق الحمامه» آورده است که «از زن عربی که از نزدیکانش حامله شده بود، پرسیدند آن چیست که در شکم داری؟ در جواب گفت: این نتیجه ی نزدیکی بالای ن و بسترهای خواب است»، این فاجعه (و نظایر آن) از اثرات خوابیدن

کودک در اطاق خواب پدر و مادر و یا خوابیدن در بستر مشترک با نزدیکان است. پس جای خود دارد که در حکمت دوران‌دیشی پیامبر گرامی ρ اندیشه کنیم که با چه دقت و درایتی دستور به جدایی فرزندان در بسترهای خواب داده است.

بنابراین، لازم است که بستر خواب پسران از هم جدا باشد تا منجر به عمل زشت لوط (همجنس بازی) نگردد. و نیز بستر خواب دختران از هم جدا باشد تا مرتکب عمل سحاق (مالیدن آلت تناسلی جنس مؤنث به هم) نشوند.

و به طریق اولی باید بستر خواب دختر و پسر را از هم جدا کرد، تا این که خدای ناکرده مرتکب عمل زن نگردند و موجباتی پیش نیاید که هیچکس از سزایش در امان نخواهد بود.

در کتاب «صالح طفلک عن الجنس» (کودکت را از مسایل جنسی آگاه کن) که برنامه‌ی درسی ویژه‌ی کودکان در آمریکا می‌باشد، آمده است: «لازم است که از خوابیدن کودکان در یک بستر واحد جلوگیری شود و نیز بهتر است که اطاق خواب آنها یکی نباشد، چون کودکانی در یک بستر واحد و در کنار هم می‌خوابند بر اثر تماس و مالش اعضای بدن آنها باهم تحریک شده و موجب انحراف آنها می‌گردد، چرا که مالش اعضای بدن باهم با وجود گرمای هوا در تابستان و یا سردی هوا در زمستان و نیز گرمای ایجاد شده در محیط موجب تحریک اعضای تناسلی شده و عواقبتی به دنبال دارد که نه کسی آن را می‌پسندد و نه کسی جز خدا سرانجامش را می‌داند.

امروزه دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که کودکانی که در یک بستر واحد می‌خوابند، در اثر تماس جنسی آنها باهم و در اثر دمای هوا؛ بیشتر از وسایل گمراه‌کننده و تبلیغات رسانه‌های گوناگون همچون روزنامه‌ها و مجلات مختلف و اغواءکننده تحریک می‌شوند.

ستایش و تسبیح مخصوص خداوند است که چه زیبا فرمود و با چه بیان گویا و شیوایی حق مطلب را ادا کرد؛ طبیب طبیبان؛ معلمی که علومش را از آسمان دریافت می‌کرد، با آن که بیشتر از چهارده قرن از آن زمان می‌گذرد، آنجا که فرمود:

«وَفَرَّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ» بسترهای خواب آنها را از هم جدا سازید.

راست فرمودی! ای سرورم، و ای فرستاده‌ی خدا؛ و آنکسی که ت و را آموزش داد نیز راست فرمود. و این از معجزات پیامبر خدا p است.

در گفتاری تحت عنوان «استجیوا للربکم» که بر روی نوار ضبط شده است، آمده که زنی از اهالی کشور عربی در ساعت 2 بعد از نصف شب با منزل جناب شیخ عبدالعزیز بن باز تماس می‌گیرد:

- الو! السلام علیکم
 - علیک السلام ورحمه الله وبرکاته
 - با جناب شیخ کار داشتم.
 - بفرمایید! خودم هستم، چه مسالهی مهمی پیش آمده که مجبور شده‌ای در این نصف شب به منزل ما زنگ بزنی خواهرم؟
 - زن در حالی که بشدت گریه می‌کرد گفت:
 وارد اطاق فرزندانم شدم و در آنجا پسرم را بر روی دخترم مشاهده کردم و دید که فلان کار را با خواهرش انجام می‌دهد، و من از شدت وحشت و ناراحتی با شما تماس گرفتم؛ چکار کنم؟ شیخ از دختر پرسید: چرا چنین شده و چرا چنین عملی مرتکب شده‌اید؟
 دختر در جواب گفت: پ درم یک دستگاه ویدیو برایمان تهیه کرد و ما با دیدن و تم‌اشای فیلم صحنه‌هایی مشاهده کردیم که نه تنها بشر بلکه سنگ را نیز تحریک و احساساتی می‌کند...

- این پسر در حالی که امکان اجرای عملش را با سایر دختران مثلاً دختر همسایه غیر ممکن دانسته؛ این کار را با خواهرش انجام داده است.

آیا تا این اندازه دوری از این دستور مهم نبوی ما را گرفته؟ و آنقدر از تعالیم و دستورات پیامبر گرامی‌مان p دوری گزیده ایم؟ بعضی از پدران و مادران که بستر فرزندان‌شان را از هم جدا نمی‌نمایند و در نتیجه به چنین سرنوشت شومی مبتلا گشته اند.

- بعضی از پدر و مادرها نه تنها بستر فرزندان‌شان را از هم جدا نمی‌نمایند، بلکه از وسایل و امکانات صوتی و تصویری نوآرهای ویدیویی، سی‌دی و غیره (بدون نظارت و کنترل) در اختیار آنها قرار داده و موجب تحریک شهوات در آنها می‌گردند، و اینجاست که نتیجه می‌گیریم که یکی از عوامل مهم که موجب انحراف جنسی نزد جوانان می‌شود؛ خوابیدن آنها باهم در یک بستر است و چقد زیبا فرمود پیامبر خدا p : «وَفَرَّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ».

دلیل سوم : از دلایل انحرافات جنسی نزد جوانان

و اما سومین دلیل از دلایل انحرافات جنسی در جوانان «خوابیدن فرزندان در اطاق خواب والدین بعد از سن 2 و 3 سالگی است». در کتاب «تحفه العروس» چنین آمده است: خوابیدن کودکان در اطاق خواب والدین به طور کلی کاری است دور از خرد. چون کودکان که همیشه در حال خواب بسر نمی‌برند و چه بسا گاهی اوقات خود را به خواب می‌زنند و وانمود می‌کنند که خوابیده اند؛ در حالی که بیدارند، و نسبت به حرکات و کلماتی که از والدین سر می‌زند کنجکاو شده و موجب تحریک جنسی آنان می‌گردد.

و بدبختی و سیه‌روزی اینجاست که هیچ چیز مانع از آن نمی‌شود، چرا که کودکان با صداهای کوچک یا تکان خوردن لحاف و یا کوچکترین لمس و تماس بدنی از خواب می‌پرند، و یا ممکن است در بسیاری از موارد در اثر سهل‌انگاری و عدم تعلیم آداب

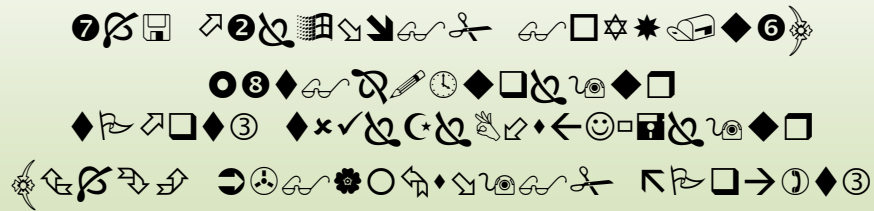
اجازه گرفتن برای ورود به اطاق خواب و استراحت پ در و مادر حالاتی از انحرافات جنسی در آنها ظاهر گردد؛ یعنی ممکن است اطاق خواب و استراحت پدر و مادر مجزا باشد، ولی به علت این که ممکن است هر لحظه فرزندان بدون اجازه وارد شوند؛ پدر و مادر را در وضعی غیر معمول مشاهده نموده و موجب پیدایش انحرافات جنسی در آنان می‌شود.

برادرم! به خاطر خدا هم که شده به داد خودت برس، و فرزند خودت را براساس آداب سه‌گانه‌ای که در سوره‌ی مبارکه‌ی نور تفصیل آن رفته تربیت کن.

آنان را باهم در یک بستر خوابان؛ همراه خودت در اطاق خواب خودت و همسرت آنان را جای مده؛ چون کودکان با صداهای کوچک و به محض شنیدن پچ یا کوچکتین حرکتی از خواب بیدار می‌شوند. بنابراین، این دستورات باید به کودکانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده اند، آموزش داده شود. اما اگر به سن بلوغ رسیدند؛ دستورات دیگری در قرآن و سنت وجود دارد که پدر و مادر باید به فرزندان‌شان یاد بدهند.

فصل دوم

آداب و دستوراتی که جوانان از آن
غافلند



مقدمه‌ی مهم:

در حقیقت خداوند متعال فرمانبرداری از خودش و پاسداشت محبتش و تمسک به هدایتش و پیروی از سنتش را بر بندگان واجب فرمود و بزرگی و بلنده‌متی و پیروزی و نیز محبت و بدست‌گرفتن آینده‌ی زمین از آن کسی است که از نور هدایتش پیروی می‌کند و ذلت و خواری و پستی و زبونی و سستی و اهانت نتیجه‌ی مخالفت با اوامر و سرپیچی از دستوراتش است.

با نگاهی اجمالی به مطالب گذشته در فصل اول چهار نکته را که به تربیت فرزندان که به سن بلوغ نرسیده‌اند؛ یادآور شدیم و همانا این چهار نکته که در خلال آیات 58 و 59 سوره‌ی نور، و نیز در خلال سنت پاک نبوی و گفتار دانشمندان دینی تبیین گشته‌اند و ما در فصل اول آن را ذکر کردیم اختصاص به کودکانی دارد که به سن بلوغ نرسیده‌اند، اما هرگاه به سن بلوغ رسیدند، قرآن‌کریم دستورات مهم و اکیدی برای این دوران دارد.

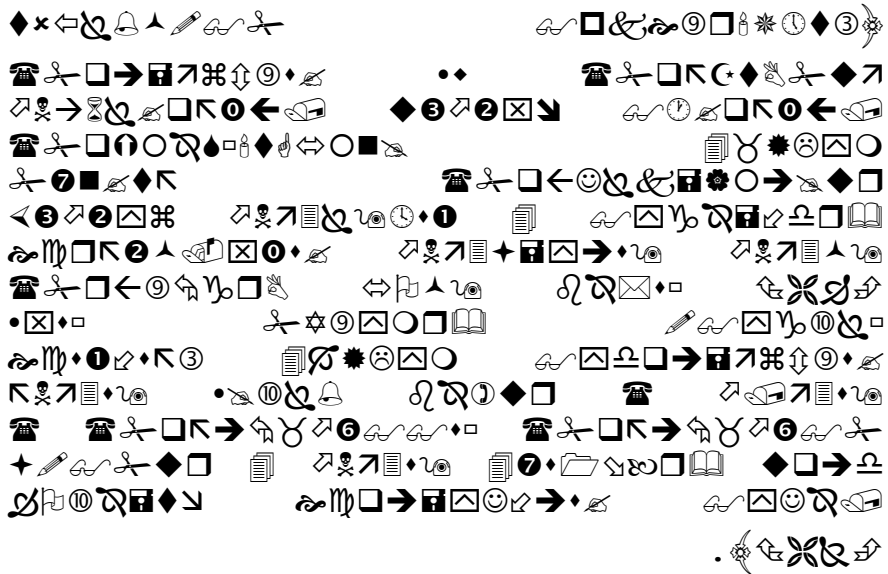
☞ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا بَلَغَتِ الْمَرْءُتُ الْحُلُمَ فَلْيَسِرْ عَلَيْهَا فِي مَنَازِلِهَا وَلَا يَجْزِيهَا فِي الْمَنَازِلِ وَالْمَرْءُتُ الْمَحْجُورَةُ كَالْمَرْءِ الْمَحْجُورِ﴾ (سوره‌ی نور، آیه‌ی 59).

ترجمه: «هنگامی که کودکان شما به سن

بلوغ رسیدند؛ (در همه‌ی اوقات برای ورود به مکانی که پدر و مادر در آنجا استراحت می‌کنند و یا منزل اختصاصی‌ای که آنان در آنجا به سر می‌برند) باید اجازه بگیرند، همانطور که اشخاصی که پیش از آنان بوده‌اند (هنگامی که به سن بلوغ رسیده و اینک مردان و زنان بزرگسال بشمارند) اجازه گرفته‌اند؛ خداوند اینچنین (روشن و ساده) آیات (احکام و شریعت) خود را توضیح داده و تبیین می‌کند (تا متأدب به آداب اسلامی

شوید) و خداوند بس آگاه از (احوال
 آفریده های خود) و دارای حکمت است (در
 قانونگذاری برای بندگانش)».

و حال باید پرسید کسانی که قبل از آنها
 بوده اند، چه کسانی هستند؟ آنان همان
 کسانی هستند که خداوند متعال در سوره ی
 نور آیات 27 و 28 از آنان یاد می کند:



ترجمه: «ای مؤمنان وارد خانه هایی نشوید
 که متعلق به شما نیست، مگر بعد از
 اجازه گرفتن (با زنگ زدن یا کوبیدن در و یا
 کارهایی جز اینها) و سلام کردن بر ساکنان
 آن، این کار برای شما بهتر است (از ورود
 بدون اجازه و سلام) امید است شما (این دو
 چیز را به هنگام رفتن به منازل دیگران
 رعایت و آنها را) در مد نظر داشته باشید،
 اگر کسی را در خانه نیافتید (که به شما
 اجازه دهد) بدان جاها داخل نشوید (تا کسی
 پیدا می آید و) به شما اجازه داده می شود.
 اگر هم به شما (اجازه داده نشد) و گفتند:
 برگردید؛ پس برگردید . (و اصرار نکنید)
 این (کار رجوع؛ زیبنده تر به حالتان و)
 پاک تر برای تان می باشد، خدا بس آگاه از
 کارهایی است که می کنید. (پس با رهنمودهای
 او مخالفت نوزید)».

این دو آیه ی مبارکه از سوره نور به افرادی توجه دارد که به سن بلوغ رسیده اند و بعضی از آداب اجازه خواستن و دیدار و بازدید از دیگران (در منازل) را برای ما توضیح می‌دهد.

در این خصوص سید قطب / در تفسیر وزینش که «فی ظلال القرآن» می‌باشد، می‌فرماید: «خداوند منازل را مسکن انسان‌ها قرار داده تا ارواح‌شان نیز در آنجا ساکن گردد و از جان‌شان اطمینان داشته باشند، و از کشف عورات و محارم‌شان در امان باشند، و در آنجا لباس‌های معمولی را جهت استراحت از تن به در کرده و چیزهایی را که موج فشار بر اعصاب می‌گردد، از خود دور می‌کنند. و منازل هیچگاه چنین نخواهد شد، مگر این که حریمی امن باشد و کسی به آن حریم وارد نگردد، مگر با علم و اطلاع و اجازه ی اهل آن منزل، اما در مواقع عادی اگر بخواهند که مردم با آنها ملاقات کنند و وارد منازل آنها شوند (و آمادگی پذیرش مهمان) را داشته باشند؛ اشکالی ندارد که بدون اجازه وارد شوند، ولی مباح دانستن ورود بدون اجازه و در نظر نگرفتن وضعیت ساکنان موجب می‌شود که شاید عورات ساکنان منزل کشف و چشم تازه واردان بران بیفتد و موجبات برانگیختن شهوت را فراهم آورد و فرصت را برای اغوای امیال انسانی که در نتیجه ی دیدن‌های زودگذر است آماده می‌کند، نگاه‌های گذرا و بدون قصد و نظر؛ در صورت تکرار؛ هدفدار شده و از این به بعد عامدانه آگاهانه می‌شود. و در نتیجه امیالی که بر اثر نگاه‌های اولیه و غیر عمد ایجاد شده تحریک و بیدار می‌شوند و به سوی انگیزش‌ها و روابط گناه‌آلود و یا به سوی شهوات حرام سوق داده می‌شود. بازتاب و نتیجه ی این رفتارها عقده‌های روحی و انحرافات جنسی و اخلاقی است. در جاهلیت قبل از اسلام مردم بدون اجازه و اطلاع صاحبخانه با حالتی هجومی به هر منزلی و در هر موقعی که می‌خواستند وارد می‌شدند. بنابراین، پیش

می‌آمد که صاحبخانه را به همراه همسرش در حالتی مشاهده می‌کردند که مجاز نیست کسی آنان را در چنین وضعیتی ببیند، یا گاهی اتفاق می‌افتاد که یکی از زوجین را در وضع نامناسبی مشاهده می‌کردند، و بدینوسیله موجبات آزار و اذیت صاحبخانه را فراهم آورده و حرم امن منازل را شکسته؛ آرامش ساکنان را برهم می‌زدند.

به همین دلایل و دلایل دیگر، خداوند متعال مسلمانان را به این ادب والا، متأدب فرمودند: آداب اجازه‌گرفتن برای ورود به منازل دیگران و سلام کردن بر ساکنان آن برای شناسایی و ایجاد انس و دورشدن ترس و دلهره از دل‌هایشان. و خداوند از استئذان (اجازه خواستن) در آیه ی 27 از سوره ی مبارکه ی نور به استئناس (طلب انس و الفت) تعبیر فرموده و این تعبیر لطیف جانی تازه و روح‌انگیز به واژه ی استئذان می‌بخشد که موجب ایجاد انس و آرامش در دل ساکنان منزل می‌گردد، و آنان را جهت استقبال و پذیرایی از تازه وارد آماده می‌گرداند، و این تعبیر الفتی مخصوص و لطیف است جهت رعایت احوال و رعایت وضعیت مردم در منازلشان⁽¹⁾.

پس اجازه خواستن؛ رعایت حرمت منازل را محقق می‌سازد؛ منازلی که محل استراحت و آرامش انسان هاست. و در صورت عدم رعایت این دستور؛ اهل خانه دچار مشکلی و ناراحتی شده و اذیت و آزار می‌شوند، چرا که موجب کشف عورات آنها شده است. عورات زیادند که بعضی از آنها در پی خواهد آمد:

1- عورت بدن : اگر صاحبانه بر اثر سوختگی؛ یا مرض یا نقص عضو؛ عیبی در بدن داشته باشد و بخواهد آن را مخفی کند، چگونه بتواند، در حالی که هرکسی بتواند سرزده وارد منزلش شود.

(1) - فی ظلال القرآن ج 18 ص 88.

2- عورت طعام: گاهی اوقات ممکن است فرد فقیر و تنگدست باشد و یا ثروتمند باشد و از انواع غذاها (کم یا زیاد؛ خوب یا بد...) بر سر سفره داشته باشد و به قدر مصرف خود و خانواده اش آماده نموده باشد، پس چگونه از کیفیت پایین غذایش و یا اندکبودن آن شرمنده نشود؛ در صورتی که هر وقتی بدون اجازه وارد منزلش بشوند و یا با این وضعیت؛ چگونه بتواند از طعام و خوراکی‌های لذت ببرد؟

3- عورت لباس: انسان ممکن است در انظار مردم لباس و عمامه و یا کفش‌های معمولی و عامه‌پسند بپوشند. ولی بنا به دلایلی قادر نباشد زیر پیراهن یا پیژامه‌ی نو تهیه کند و در نتیجه لباس‌های زیر کهنه یا پاره می‌باشد. (آدم عاقل) چگونه باید به خود اجازه ده که سرزده و بدون اجازه وارد منزل دیگران شود و افراد منزل را در چنین وضعی مشاهده نماید، در حالی که آنان به این وضع راضی نیستند.

4- عورت وسایل و اثاث خانه: فرد ممکن است که در منزلش فقط یک فرض نو یا درد بور داشته باشد و بقیه‌ی زیراندازها کهنه و قدیمی بوده و این یک تکه را فقط جهت پذیرایی از مهمان در منزل بگسترانند. و در بقیه‌ی مواقع آن را جمع کند، یا اصلاً ممکن است زیراندازهای کهنه و فرسوده را در موقع مهمانی و پذیرایی از مهمانان به وسیله‌ی پارچه‌ای زیبا پوشانند و دیگران فکر کنند که این زیراندازها فاخر و زیبا هستند. در حالی که اصلاً چنین نیست. پس چگونه بدون اجازه وارد منزل دیگران می‌شوی، در حالی که او از این وضع ناراضی و ناراحت است؟

5- عورت ظاهرشدن در انظار عموم: گاهی اتفاق می‌افتد که فرد بین مردم آقا و سرور است و دارای شخصیت و احترام مخصوصی می‌باشد، اما در منزل و در میان خانواده اش برعکس این حالت است و در شستن ظروف یا کارهای منزل به همسرش کمک می‌کند؛ همچنان

که حضرت رسول p این کار را می‌کردند، از اسود روایت شده که گفت: از حضرت عایشه ل پرسیدم: رسول خدا p هنگامی که در منزل هستند به چه چیزی مشغول اند؟ فرمود: به خانواده اش کمک و یاری می‌رساند و موقعی که وقت نماز فرا می‌رسد، بای ادای نماز از منزل خارج می‌شوند. چگونه چنین شخصیت محترمی این چنین در داخل منزلش رفتار می‌کند؛ به خودت اجازه می‌دهی بدون اجازه سرزده وارد منزلش شوی و او را در این وضع مشاهده کنیم و (موجبات آزار و اذیتش را فراهم سازی).

6- عورت رفتار و اخلاق و خشمگین شدن:

ممکن است فردی در میان مردم خوش اخلاق و خنده ور باشد و اتفاق می‌افتد که او روزی در منزلش در حالت خشم یا اندوه باشد. و حالتش تغییر کرده و چه بسا زشت می‌شود. پس چگونه جایز است که کسی سرزده وارد منزل چنین فردی بشود و او را در چنین حالتی مشاهده کند، در حالی که اصلاً دوست ندارد.

7- عورت انجام دادن کاری که فرد

نمی‌خواهد کسی از آن آگاه شود:

انسان به طور کلی آکنده از اسرار است. گاهی لغزش‌هایی از او سر می‌زند. گاهی ممکن است در تنهایی و در منزلش کاری انجام دهد که خجالت می‌کشد، مردم از آن اطلاع پیدا کنند. یا ممکن است در ح ال ارتکاب گناهی باشد که خدا آن را برایش پوشیده است، پس چگونه اجازه می‌دهی که بدون اجازه او وارد شوی و از کارش آگاهی یابی؟

8- عورت کارکردن: گاه اتفاق می‌افتد که

کسی در منزلش مشغول ساختن چیزی است؛ برای کمک هزینه اش و نمی‌خواهد کسی او را بشناسد. مثلاً چیزی می‌سازد و دور از چشم اهالی آن منطقه آن را به فروش می‌رساند. شما را به خدا! چگونه می‌خواهید که بر چنین افرادی وارد شوید و اصرار دارد که آنچه را مردم از شما پنهان می‌کنند؛

پاکتر برایتان می باشد . خدا بس آگاه از کارهایی است که می‌کنید. (پس با رهنمودهای او مخالفت نوزید)».

و رسول محبوب پروردگار، حضرت محمد ρ می‌فرمایند: «لَوْ أَنَّ امْرَأًا اطَّلَعَتْ عَلَيْكَ بِغَيْرِ إِذْنِكَ فَحَذَفْتَهُ بِحَصَاةٍ فَفَقَاتَ عَيْنَهُ، لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ جُنَاحٌ».

ترجمه: «اگر کسی بدون اجازه ی تو بر سرّی (از سرار تو) آگاهی یابد و تو (در این حال) او را با سنگ زدی و چشمش را کور کردی؛ بر تو باکی نیست»⁽¹⁾. و نیز در خصوص آیه ی 27 از سوره ی مبارکه ی نور روایت شده که زنی نزد پیامبر ρ آمد و گفت: «ای رسول خدا من در منزل خودم در حالت و وضعی هستم که دوست ندارم کسی حتی پدر و یا فرزندم در این وضع بر من وارد شوند. ناگهان کسی از راه می‌رسد و بر من وارد می شود. چکار کنم؟ پس این آیه نازل شد:

﴿وَإِذَا طَلَعْتِ إِلَىٰ مَسْجِدِكَ فَطَلَعِي فِيهِ بِحَصَاةٍ فَإِنَّكَ تَكُونِينَ فِي حَقِّهِ حَتَّىٰ تَخْرُجِي مِنْهُ﴾
 ﴿وَإِذَا طَلَعْتِ إِلَىٰ مَسْجِدِكَ فَطَلَعِي فِيهِ بِحَصَاةٍ فَإِنَّكَ تَكُونِينَ فِي حَقِّهِ حَتَّىٰ تَخْرُجِي مِنْهُ﴾
 ﴿وَإِذَا طَلَعْتِ إِلَىٰ مَسْجِدِكَ فَطَلَعِي فِيهِ بِحَصَاةٍ فَإِنَّكَ تَكُونِينَ فِي حَقِّهِ حَتَّىٰ تَخْرُجِي مِنْهُ﴾
 ﴿وَإِذَا طَلَعْتِ إِلَىٰ مَسْجِدِكَ فَطَلَعِي فِيهِ بِحَصَاةٍ فَإِنَّكَ تَكُونِينَ فِي حَقِّهِ حَتَّىٰ تَخْرُجِي مِنْهُ﴾
 ﴿وَإِذَا طَلَعْتِ إِلَىٰ مَسْجِدِكَ فَطَلَعِي فِيهِ بِحَصَاةٍ فَإِنَّكَ تَكُونِينَ فِي حَقِّهِ حَتَّىٰ تَخْرُجِي مِنْهُ﴾
 ﴿وَإِذَا طَلَعْتِ إِلَىٰ مَسْجِدِكَ فَطَلَعِي فِيهِ بِحَصَاةٍ فَإِنَّكَ تَكُونِينَ فِي حَقِّهِ حَتَّىٰ تَخْرُجِي مِنْهُ﴾
 ﴿وَإِذَا طَلَعْتِ إِلَىٰ مَسْجِدِكَ فَطَلَعِي فِيهِ بِحَصَاةٍ فَإِنَّكَ تَكُونِينَ فِي حَقِّهِ حَتَّىٰ تَخْرُجِي مِنْهُ﴾
 ﴿وَإِذَا طَلَعْتِ إِلَىٰ مَسْجِدِكَ فَطَلَعِي فِيهِ بِحَصَاةٍ فَإِنَّكَ تَكُونِينَ فِي حَقِّهِ حَتَّىٰ تَخْرُجِي مِنْهُ﴾
 ﴿وَإِذَا طَلَعْتِ إِلَىٰ مَسْجِدِكَ فَطَلَعِي فِيهِ بِحَصَاةٍ فَإِنَّكَ تَكُونِينَ فِي حَقِّهِ حَتَّىٰ تَخْرُجِي مِنْهُ﴾

پس بر ما واجب است که هم خودمان یاد بگیریم و هم به فرزندان مان که به سن بلوغ و رشد رسیده اند، آداب استئذان و ملاقات با دیگران را یاد بدهی م. این آداب زیادند و ما در اینجا خلاصه ای از آنچه که در «الجامع لأحكام القرآن وروائع البیان» اثر استاد شیخ محمد علی صابونی آمده است در پی خواهیم آورد:

1- آیا سلام کردن قبل از اجازه گرفتن است یا بعد از آن؟

(1) - در اینجا ذکر واژه ی (فحذفته بحصاه) به معنی او را با سنگزدن و از خود دورکردن است.

ظاهر آیه دلالت به تقدیم اجازه خواستن بر سلام دارد و بعضی از علما هم دستور به همین امر آیه داده اند، ولی رأی جمهور فقها بر این است که سلام کردن قبل از اجازه گرفتن است و دلیلشان فرمایش پیامبر است که فرمود: «السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ» او سلام بعد کلام و نیز پیامبر ρ فرمود: «مَنْ لَمْ يَبْدَأْ بِالسَّلَامِ فَلَا تَأْذِنُوا لَهُ» کسی که سلام را جلو نینداخت به او اجازه ندهید. و جمهور فقها استدلالشان این است که روایت شده مردی از بن عامر از پیامبر اجازه‌ی ورود خواست، در حالی که پیامبر در منزل بودند و گفت آیا وارد شوم؟ پیامبر به خادمش امر فرمود: برو و آداب اجازه‌خواستن را به او بیاموز که بگوید: السلام علیکم؛ آیا وارد شوم؟ برای خروج از این امر اختلافی که آیا سلام کردن قبل از اجازه گرفتن است یا بعد از آن؛ دانشمندان مسئله را توضیح داده اند و چنین آورده اند:

الف: رأی ماوردی: هرگاه کسی خواست به منزل کسی دیگر برود؛ اگر قبلاً از افراد اهل منزل را دید؛ به او سلام کند و سپس اجازه بگیرد. اما اگر چشمش به کسی از اهل منزل نیفتاد، اول اجازه می‌گیرد؛، سپس سلام می‌کند.

ب: جایز است که به جای اجازه گرفتن لفظی دیگر به کار برد یا از اشاره ای مانند گفتن: «سبحان الله؛ الله اکبر و یا تنحنح (إح - سرفه کردن) استفاده شود، طبرانی از ابی ایوب روایت کرده که گفت: مگر نه این است که خداوند می فرماید: ﴿لَا تَقْرَأُوا لَهُمْ لَعْنًا وَكَلِمَاتٍ مُّضَوِّغَةٍ وَيَصِفُوا أَمْوَالَهُمُ بِالذَّلَالِ وَالَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ زَكَاةً فَهُمْ أَعْوَجُ الْأَعْوَجِ﴾ این سلام کردن را می‌دانیم و می‌شناسیم ولی استئناس (طلب انس) کدام است؟ پیامبر ρ فرمود: «آدمی می‌تواند با سبحان الله گفتن یا الله اکبر و یا ذکر الحمد لله و یا تنحنح (إح - اح یا

سرفه کردن) سخن بگویند. پس اهل منزل از وجودش باخبر شده و به او اجازه می‌دهند».

2- تعداد دفعات اجازه خواستن چند مرتبه است؟

آیه‌ی کریمه تعداد دفعات اجازه خواستن را توضیح نفرموده، ولی محبوب پروردگار حضرت محمد (پ) برای ما این مطلب را چنین بیان فرموده است:

«اجازه‌خواستن سه مرتبه است:

- 1- بار اول اهل منزل ساکت می‌شوند.
- 2- بار دوم خود را آماده می‌کنند.
- 3- و بار سوم اجازه می‌دهند یا رد می‌کنند. در دوران‌دیشی و دقت پیامبر خدا (پ) در خلال این حدیث دقت فرمایید:

الف: اولین بار جهت سکوت اهل منزل؛ تا مطمئن شوند، آیا کسی اجازه ی ورود خواست یا خیر؟ چرا که ممکن است در آنجا کاری ایشان را به خود مشغول داشته که مانع از شنیدن صداهای بیرون می‌شود.

ب: دومین بار که اجازه ی ورود خواسته شود؛ آن را شنیده و در این مرحله خود را مهیا و آماده می‌نمایند. چه بسا عورتی از عورات ذکر شده مانع باشد. یا شاید یکی از افراد منزل در وضعی غیر عادی قرار داشته باشد و بخواهد خود را مراتب یا اصلاح نماید یا این که یکی از بچه‌های کوچکش در حالتی باشد که احتیاج به تمیزکردن داشته باشد و او اقدام به تمیزکردنش بنماید. یا اثاث منزل یا لباس هایشان نامرتب باشد و بخواهند اقدام به مرتب و منظم کردن آن بنمایند. و یا هر امری دیگر از این قبیل.

ج: و در مرتبه‌ی سوم یا اذن ورود می‌دهند یا نمی‌پذیرند و رد می‌نمایند. در این حال اگر آنان اشتیاق دیدار و همن‌شینی با شما را داشته باشند و جزو برادران ایمانی آنها باشی به تو اجازه می‌دهند. اما اگر جزو کسانی باشی که همیشه در مورد مردم سخن می‌گویند، و زبان به بدی می‌گشایند و اوقات دیگران را تلخ می‌نمایند؛ و

صاحبخانه دوست ندارد با تو همنشین شود . پس در اینصورت درخواست تو را برای ورود به منزل رد می نماید، یعنی اجازه ی ورود نمی‌دهد. بنابراین، بهتر است که بدون وا همه و بدون احساس سرافکنندگی و خشم برگردی چون اگر چنین کنی امر پروردگار را لبیک گفته ای. آنجا که فرمود :

﴿لَا يَجْرُمُ الَّذِينَ هَدَىٰ رَبُّهُمْ وَلَا الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ﴾ (سوره ی

نور، آیه ی 28).

از این آیه ی مبارک برای ما روشن می شود که آداب استئذان (اجازه‌خواستن برای ورود به منزل دیگران) سه مرتبه است. و این مطلب را جریانی که میان حضرت عمر بن الخطاب τ و ابوموسی اشعری τ رخ داد، تأیید می‌نماید. جریان از این قرار است که از ابی سعید خدری روایت شده که فرمود: در یکی از مجالس انصار نشسته بودیم که ابوموسی با نگرانی وارد شد . گفتیم : چه چیز تو را نگران کرده است؟ گفت: «عمر از من خواست نزدش بروم؛ پس رفتم؛ سه مرتبه اجازه گرفتم، ولی اجازه نداد و من نیز برگشتم. اکنون عمر می‌گوید: چه چیزی مانع آمدنت نزد من شد؟ به او گفتم من نزد شما آمدم و سه مرتبه هم اجازه خواستن، ولی شما اجازه ی ورود ندادید، و این در حالی است که پیامبر ρ فرمود: «هرگاه از کسی سه مرتبه اجازه ی ورود خواستید، ولی اجازه ی ورود نداد برگردید. ابی بن کعب τ گفت : کوچکترین (کم سن و سالترین) فرد گروه برای (تحقیق) در خصوص این موضوع همراه تو می‌آید. ابوسعید خدری گفت: من که کوچکترین آنها بودم به همراه او رفتم و به عمر τ گفتم که پیامبر چنین فرموده است . و در

بعضی روایات آمده است که عمر فاروق τ به ابوموسی گفت: من تو را متهم نمی‌کنم، بلکه از این ترسیدم که مردم چیزی از زبان رسول خدا ρ نقل کنند که (آن را نفرموده باشد) و من خواستم که یقین حاصل کنم.

با دقت در این ماجرا همچنین برای ما روشن می‌شود که استئذان (اجازه‌خواستن) سه مرتبه است. ولی اگر بار اول صاحب‌خانه متوجه شد؛ نیازی به مرتبه دوم و سوم نیست، و ابوحیان گفته است که شایسته نیست بیش از سه مرتبه اجازه خواسته شود و اصرار گردد، مگر این که شخص مطمئن شود کسانی که در منزل هستند متوجه نمی‌شوند و یا اگر برای کار ضروری باشد، مانند وجود مریض اورژانسی در منزل و نجات دادن شخص و یا هجوم دزد به منزل و یا کمک به نجات کسی جز حریق و... هر کاره مهمی که مربوط به مسلمانان باشد؛ در این صورت جایز است که بیش از سه مرتبه نیز اجازه ی ورود خواسته شود، و لازم است که بین هریک از مراحل استئذان فاصله ای وجود داشته باشد. چون ممکن است کسی که در داخل منزل است مشغول کاری باشد که نتواند پاسخ دهد. پس در فاصله‌ی تکرار بین دفعات از کارش فارغ می‌شود.

3- آیا محارم نیز باید اجازه بگیرند؟

سؤال: محارم چه کسانی هستند؟
 جواب: محارم جمع محرم است و عبارتند از: 1- مادر و هرچه بالاتر رود (مانند مادرِ مادر و ... الخ) 2- دختر و هرچه پایین‌تر آید (مانند دخترِ دختر و ... الخ) 3- خواهر. 4- خاله. 5- عمه. 6- دخترِ برادر. 7- دخترِ خواهر.

سؤال: آیا این افراد مجازند که بدون اجازه وارد شوند؟

جواب: واضح است که جزو اخلاق کریمانه می‌باشد که هرگاه مرد با یکی از محارمش در یک منزل ساکن بودند؛ اگرچه مادر یا دختر یا خواهرش باشند، نباید بدون اجازه بر او

وارد شوند و او نیز جایز نیست، بدون اجازه برآنان وارد شود. مگر این که قبلاً اجازه بگیرد یا این که با تنجیح یا کوبیدن پا بر زمین و یا گفتن اذکار سبحان الله؛ الله اکبر و غیره او را متوجه سازد. چرا که بعضی از اوقات احتمال دارد که مادر آدمی یا خواهرش در وضعیتی باشند که دوست ندارند وی را در چنین حالتی ببینند. در این مورد طبری از عطار بن یسار نقل کرده که مردی به پیامبر p گفت: آیا برای ورود به اطاق مادرم اجازه بگیرم؟ فرمود: بله، گفت: می‌خواهم به او خدمت کنم؛ فرمود: آیا دوست داری او را ببینی در حالی که لباس به تن ندارد؟ گفت: خیر. فرمود: اگر چنین است از او اجازه بگیر. این حدیث نیز برای ما بیان می‌کند؛ فرزندان مان را که به سن بلوغ رسیده اند، یاد بدهیم که بر محارم نیز اجازه بگیرند. فرق نمی‌کند؛ مادر باشد یا خواهر یا دختر عمه یا خاله یا دختر برادر یا دختر خواهر و یا همسر پدری (نامادری) یا همسر پسر یا خواهران شیری.

4- آیا استئذان (اجازه‌گرفتن) برای زنان و یا نابینایان نیز واجب است؟

الف: نسبت به زنان: هرگاه زنی خواست فرد دیگری را ملاقات کند بر او لازم است که مانند مردان آداب اجازه گرفتن را رعایت نماید، و شاهد ما بر این مدعا جریانی است که از «ام ایاس» نقل شده است. ام ایاس گفت: چهار زن که یکی از آنان من بودم از حضرت عایشه^ل اجازه‌ی ورود خواستیم. در این میان من گفتم: آیا وارد شویم؟ فرمود: خیر. یکی دیگر از همراهان ما گفت: السلام علیکم؛ آیا وارد شویم؟ فرمود: وارد شوید. سپس این آیه را تلاوت فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ حَتَّىٰ يُدْعَاكُمْ لِمَا عَلَيْكُمْ مِنْهَا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَاةَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

این امر دلالت بر این دارد که زنان نیز باید همچون مردان اجازه‌ی ورود بخواهند و رعایت این دستور برای زنان، با اهمیت‌تر از مردان است، چرا که در هر حال ممکن است یکی از عوراتی که سابقاً ذکر شد وجود داشته باشد و زن آن را مشاهده نماید. و همگی ما واقفیم که اسرار مهم و بزرگ داخل خانه فاش نمی‌شود، مگر از طریق اختلاط و همنشینی زنان. پس هیچ زنی نباید بدون اجازه بر دوستش یا خواهر یا همسایه اش به دلیل این که دوست یا خواهر یا همسایه هستند، وارد شود. تمام این موارد امور ممنوعه می‌باشند و بر زنان نیز رعایت آن همچون مردان واجب است.

ب: نسبت به افراد نابینا : بر افراد نابینا نیز واجب است که اجازه‌ی ورود بخواهند، چون عوراتی وجود دارد که همچنانکه با چشم احساس می‌شوند؛ از طریق گوش نیز احساس می‌شوند. ممکن است صاحب‌خانه با همسرش در حال حرف‌های خصوصی باشند و یا در حال مؤاخذه و پرسیدن سؤال از دخترش به خاطر مساله‌ی ای باشد یا این که به خاطر ک‌اری؛ محرمانه‌ی پسرش را تأدیب یا تنبیه نماید. همه‌ی اینهایی که برشمرده شد، عوراتی هستند که با گوش درک می‌شوند.

به همین خاطر است که پیامبر گرامی ρ ما را برحذر می‌دارد و می‌فرماید: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ صَبَّ فِي أُذُنِهِ الْأَنْكُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

ترجمه: «هرکس به سخنان گروهی گوش فرا دهد؛ در حالی که آنان از این عمل او ناراضی باشند، روز قیامت در گوش هایش «انک» ریخته می‌شود. و «انک» به معنای سرب مذاب می‌باشد».

در اینجا فرمایش پیامبر ρ متوجه کسانی می‌شود که در گوش‌ی ایستاده؛ در حال استراق

حرف‌های دیگران می‌باشند و بدینوسیله عورات دیگران را جستجو و فاش می‌نمایند.

5- زائر (دیدارکننده) جلو در ورودی چگونه باید منتظر بماند؟

از دستورات شرعی در استئذان این است که دیدارکننده نباید مستقیم جلو در بایستد، بلکه باید به سمت چپ یا راست برود، از پیامبر ρ نقل گردیده که هرگاه به دیدن کسی می‌رفتند؛ مستقیم جلو در قرار نمی‌گرفتند، بلکه به سمت چپ یا راست متمایل شده؛ می‌فرمود: «السلام علیکم؛ السلام علیکم» و این دستور به عصر و زمان خاصی اختصاص ندارد.

این دستور لازم است اکنون بهتر و جدی تر رعایت شود، چرا که در این عصر ممکن است درها بسته باشند؛ ولی به محض این که در باز شود، احتمالاً چشم انسان به چیزهایی بیفتد که دیدنش برای او جایز نیست. و اهل خانه مایل نیستند که کسی از آن اطلاع یابد.

و از سعید بن عماره روایت شده که نزد پیامبر ρ رفتم، در حالی که ایشان در منزل بودند، در مقابل در ایستادم و اجازه گرفتم. با اشاره به من فرمود که دور شوم. سپس فرمود: آیا مگر اجازه برای جلوگیری از دیدن چیزهای ممنوعه نیست؟

تعقیب

اگر کسی در منزل دیگری بر چیزی آگاهی یافت یا چیزی را بدون اجازه ی صاحب خانه دید، چه حکمی دارد؟

فقها در این خصوص اختلاف نظر دارند:

سؤال: اگر یکی از اهالی منزل متوجه شد که کسی از سوراخ در مشغول نگاه کردن اسرار آنان است؛ او را بزند و چشمش را کور کند؛ آیا این عمل او موجب قصاص می شود؟ و اگر موجب قصاص می‌گردد؛ حکمش چیست؟

جواب: 1- امام شافعی و امام احمد ب نظرشان براین است که اگر کسی در چنین موقعیتی و به خاطر ارتکاب این عمل چشمش بیرون آورده شود، چشمش هدر رفته و بر زننده قصاص نیست.

2- امام ابوحنیفه و امام مالک ب معتقدند که جنایت است و بر زننده ارش⁽¹⁾ یا قصاص واجب است.

هرکدام از آنان برای خود دلایل و براهینی دارند. ولی دلیل قوی و راجح، دلیل امام شافعی و امام احمد است که به حدیث منقول از ابی هریره از پیامبر p استناد می کنند: «مَنْ أَطَّلَعَ فِي دَارِ قَوْمٍ بَعِيرٍ إِذْنَهُمْ فَفَقَأُوا عَيْنَهُ فَقَدْ هَدَرَتْ عَيْنُهُ».

ترجمه: «هرکس در منزل قومی؛ بدون اجازه ی صاحب خانه بر چیزی آگاهی یابد و در این حال چشمش زده شود و چشمش را از دست بدهد، پس چشمش هدر رفته».

و در حدیثی دیگر سهل بن سعد آورده: مردی در یکی از حجره های رسول خدا p از چیزی آگاهی یافت. پیامبر p با وسیله ای آهنی که در دست داشت بر سرش کوبید و فرمود: «لَوْ أَعْلَمُ أَنَّكَ تَنْتَظِرُ لَطَعْتُ بِهَا فِي عَيْنِكَ، إِنَّمَا جُعِلَ لِلْإِذْنِ مِنْ أَجْلِ النَّظَرِ».

ترجمه: «اگر می دانستم که داری نگاه می‌کنی، آن را در چشمت فرو می‌کردم، همانا

(1) - ارش: دیه، قصاص.

اجازه گرفتن برای (جلوگیری) از دیدن واجب شده است».

مساله ی روز: کسانی که دزدکی به منازل دیگران نگاه می‌کنند

امروزه بدلیل کم عرض بودن خیابان ها و نزدیکی ساختمان ها بهم و چسبیدگی منازل و روبروی هم قرارگرفتن پنجره ها و درهای ورودی (مخصوصاً در منازل آپارتمانی) احتمال کشف عورات بعضی از همسایه ها برای بعضی دیگر وجود دارد و در این میان بسیاری از انسان‌های ضعیف النفس چشم‌هایشان را نمی‌بندند و چه بسا عمداً و آگاهانه از پنجره‌ها و طبقات بالا به درون منازل در طبقات پایین می‌نگرند. و این عمل هتک حرمت و ریختن آبروی همسایه می باشد و وسیله ای است برای افتادن در دام حرام و موجب فتنه و فساد و تباهی زیادی خواهد شد.

مخصوصاً بعضی از انسان‌های گناهکار عمداً جلوه پنجره ایستاده و یا از پشت پرده ها به پنجره ی ساختمان مقابل نگاه می کنند. بعضی نیز به همراه دوستان ناباب جلو در ورودی منازل ایستاده و از درون پنجره به درون ساختمان منازل همسایه ها می‌نگرند و حرمت آنان را لگدمال می نمایند و از خطرناک ترین نوع این تجسس و دزدکی نگاه کردن در این روزگار؛ استفاده از عینک‌های بزرگنما است که بعضی از مردم این عینک‌ها را خریداری کرده و با استفاده از آن از طبقات بالا یا پایین از درون اطاق‌ها و از پشت پرده ها از دور مراقب همسایه‌هایشان هستند و آنان را می‌پایند.

عجیبتر از این؛ این که یکبار که از سفر عمره برمی‌گشتم؛ یکی از کارگران که از برمی‌گشت در داخل کشتی با من آشنا شد. وی که یکی از این عینک ها را با خود همراه داشت و به وسیله‌ی آن کشتی دیگری را که در مجاورت ما بود نگاه می‌کرد. از او پرسیدم که چرا این را خریدی و می خواهی با آن چکار کنی؟

او در جواب فقط یک مطلب را به من گفت :
 پسرم در امتحان پایان سال قبول شده و من
 هم برای تشکر و قدردانی از او؛ این عینک
 را برایش تهیه کرده‌ام.
 در این موقع داستانی که دوستم برایم
 تعریف کرده بود، در ذهنم تداعی شد و باو
 در صحبت را باز کردم:
 از او پرسیدم: پسرت چند سال دارد؟
 - 17 سال.

- یعنی دوران بحران
 در خلال سخنانم جریانی را که دوستم
 ب‌رایم تعریف کرده بود را برایش توضیح
 دادم و از خطرات این وسیله‌ی لعنتی مخصوصاً
 برای جوانان در این سن و سال برایش گفتم.
 خوشبختانه سخنانم مؤثر واقع شد و وعده
 داد؛ به خاطر این که پسرش را در دزدکی
 نگاه کردن به همسایه‌ها یاری نکرده باشد،
 آن را به او نخواهد داد. چرا که این کار
 موجب انحراف جنسی و اخلاقی و دینی او
 خواهد شد.

و از خیانت‌های بزرگ که می‌توان از آن
 اسم برد؛ این است که کسی در غیاب همسایه
 اش در سفر یا کار؛ فرصت را غنیمت شمرده؛
 وارد خانه‌ی همسایه اش شده و موجبات فساد
 و آلودگی خانواده اش را فراهم سازد . و
 خطرن اکترا از این؛ عمل کسانی است که با
 کمال اطمینان به دختران‌شان اجازه می‌دهند
 که به تنهایی در یک اطاق مستقل به همراه
 معلم خصوصی بنشینند . حالا این کلاس چه در
 منزل باشد یا در خارج منزل؛ چون معلم
 جوان است محصل نیز جوان و در اندرون آنها
 احساس سرکش وجود دارد که از آن به میل
 جنسی تعبیر می‌شود و در این میان شیطان
 نیز حضور فعال دارد . با دقت می‌نگرد و
 می‌بیند که میان این دو جوان چه می‌گذرد . و
 این همان چیزی است که پیامبر خدا ﷺ آن را
 تذکر داده و فرموده است : «لَا يَخْلُونَ رَجُلًا بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ
 تَالِيَهُمَا الشَّيْطَانُ» .

ترجمه: «هیچگاه مردی با زنی (بیگانه) خلوت نمی‌کند، مگر ای ن که سومین آنها شیطان خواهد بود».

راست فرمودی ای رسول خدا p به راستی شیطان از طریق ورود به جریان خون نیز در انسان نفوذ کرده بر او تأثیر می‌گذارد. و از رسوم و عادات ناروا این است که فرزندان مخصوصاً دختران به بهانه ی گفتگو با دختر همسایه یا یکی از دوستان از منزل خارج شده و یا در مراسم و مجالسی مثل جشن تولد حضور می‌یابند و ممکن است در آنجا مسائل ناروا و زشتی روی دهد که حداقل آن نشستن دختران جوان جهت تماشای برنامه‌های ویدیوئی و دیدن فیلم‌های مبتذل و نارواست. پس ای مسئول و سرپرست خانواده، کجایی؟ عقل و مردانگی و غیرت کجا رفته؟ بی‌توجهی و کم‌مسئولیتی به جایی رسیده که شرم و حیا از دختران رخت بر بسته است. و پسران بی‌باکانه و بی‌هیچ مانعی در میادین فساد سیر می‌کنند.

چگونه کورکورانه به دختر و پسر اعتماد می‌کنی که آزادانه از منزل خارج شده و موجب بی‌آبرویی و شرمساری گردند؟ هرچه سریع‌تر بی‌جنب و جلو این روش و برنامه را بگیر، چون فرصت به سرعت از دست می‌رود، و ضمناً پس از سپری شدن فرصت‌ها دیگر پشیمانی سودی ندارد و باز روی سخن ما با آن کسانی است که دزدکی به منازل و خانه‌های دیگران نگاه می‌کنند. حالا این نگاه فرق نمی‌کند، چه از پایین به بالا باشد؛ یا از طبقات بالا به پایین یا از پنجره و لابلای درهای ورودی.

این افراد گناهکار که به حریم دیگران متعرض شده‌اند، گوش فرا دهند که پیامبر گرامی p فرموده: «وَاللّٰهُ لَا يُؤْمِنُ، وَاللّٰهُ لَا يُؤْمِنُ، وَاللّٰهُ لَا يُؤْمِنُ، قِيلَ: مَنْ يَا رَسُولَ اللّٰهِ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَائِقِهِ».

ترجمه: «به خدا سوگند ایمان ندارد؛ به خدا سوگند ایمان ندارد؛ به خدا سوگند ایمان ندارد. گفته شد: چه کسی ای رسول

خدا p؟ فرمود: کسی که همسایه اش از دستش ایمن نباشد. یعنی از شَرش در امان نباشد. آیا چیزی بدتر از آبروریزی افراد چیزی وجود دارد و یا این که دزدکی به عوراتشان نگریسته شود و ب رای شنیدن اسرارشان در گوش ایستاد؟

این قبیل کجایند تا ببینند و بشنوند که پیامبر p فرمود: «مَنْ مَلَأَ عَيْنَيْهِ مِنَ الْحَرَامِ مَلَأَ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَيْنَيْهِ مِنَ النَّارِ»

ترجمه: «کسی که چشم هایش از حرام پر شود، خداوند در روز قیامت چشم هایش را از آتش پر خواهد نمود».

و نیز فرمود: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ صَبَّ فِي أُذُنِهِ الْأَنْكُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

ترجمه: «کسی که به حرف دیگران گوش می‌دهد؛ در حالی که از این کار او بدشان می‌آید، خداوند در روز قیامت گوش هایش را از سرب مذاب پر می‌کند».

پس در این دو حدیث بنگر: در یکی چشمی را که می‌بینند، از آتش جهنم پر می‌شود و در دیگری گوشی را که می‌شنود از سر مذاب پر می‌شود. و این سزای چنین افرادی در روز قیامت است. ولی در مورد جزای شان در این دنیا؛ ای کسی که مرتکب این قبیل گناهان

شده‌ای بنگر و گوش فرا ده، پیامبر p این صنف از انسان ها را که گویی بویی از انسانیت نبرده اند، خطاب قرار داده و می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ مَنْ آمَنَ بَلِسَانِهِ وَلَمْ يَدْخُلِ الْإِيمَانُ قَلْبَهُ: لَا تَعْتَابُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ يَتَّبِعِ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ فِي عَقْرِ بَيْتِهِ».

ترجمه: ای گروهی که فقط با زبان ایمان آورده اید، ولی ایمان وارد قلبش نشده است؛ پشت سر مسلمانان غیبت نکنید، و عیب‌هایشان را جستجو نکنید. به راستی کسی که عیب‌های دیگران را جستجو کند خداوند عیب‌هایش را جستجو خواهد کرد و کسی که

خداوند عیب‌هایش را جستجو کند در میان خواننده اش خوار و رسوا می‌شود». اکنون اختیا با توست . هرکاری که دلت خواست بکن، اگر امروز تو نگاه می‌کنی و می‌بینی تجسس می‌کنی و دزدکی به محرّمات دیگران نگاه می‌کنی، فردا نیز این رفتار با تو خواهد شد تو به زنان م ردم و عورتشان نگاه می‌کنی، پس کسی پیدا خواهد شد که به مادر و خواهر و دختر و همسر و محارمت با دیده بی‌احترامی بنگرد و اینچنین خداوند تو را خوار و رسوا می‌کند. پس جز از جنس عمل است.

حضرت امام شافعی τ در این خصوص چه زیبا فرموده اند که

عفوا تعف نساءکم فی المح رم

وتجتنبوا ما لا یلیق بمسلم

من یزنی فی بیت بالفی درهم

فی بیته یزنی بغیر درهم

ان الزنادین ان أقرضته

کان الوفاء من أهل بیتک فاعلم

یا هاتکا ستر الرجال وقاطعا

سبل الموده عشت غیر مکرم

لو کنت حراً من سلاله طاهر

ما فعلت ما لا یلیق بمسلم

ترجمه : «پاکدامن باشید تا زنان تان از محرّمات پاک باشند کسی که در خانه ای باپرداخت دو هزار درهم زنا می‌کند (کسی) در منزلش (با همسرش) بدون درهم و مجانی زنا می‌کند زنا، قرض است اگر آن را بگیری بدان که اهل منزلت آن را پرداخت خواهند نمود

ای کسی که هتک‌کننده‌ی حرمت مردان هستی و قطع‌کننده‌ی راه‌های محبت ناجوانمردانه زندگی کردی.
 اگر جوانمرد بودی و از نسلی پاک آنچه در شان یک مسلمان نیست انجام ندادی».

اهداف موضوع

- 1- هرگاه کودکان به سن بلوغ رسیدند، لازم است آداب استئذان را به آنان یاد بدهیم:
 - الف: اجازه‌خواستن قبل از سلام.
 - ب: سه مرتبه اجازه‌خواستن.
 - ج: بر محارم نیز باید اجازه بگیرند.
 - د: اجازه‌گرفتن بر زنان و نابینایان نیز واجب است.
 - ه: نباید به طور مستقیم و روبروی در ایستاد، بلکه باید به طرف چپ یا راست متمایل شد.
 - و: کسی که بدون اجازه به منزل دیگری می‌نگرد و از اسرار درون منزل آگاه می‌شود، اگر در حین نگاه کردن چشم را کور کنند، چشمش هدر رفته است.
 - ز: کسانی که دزدکی به منزل دیگران می‌نگرند در دنیا و آخرت خوار و رسوا خواهند شد.
 - ح: سرپرست خانه نباید به فرزندان اجازه دهد که برای کارهای ناشایست از منزل بیرون روند.
 - ط: هیچ مرد و زنی باهم به خلوت نمی‌نشینند مگر این که سومین آنها شیطان است.
 - ی: جزا از جنس عمل است.

حسن ختام

حدیث قدسی

پی‌ابن آدم:

«جعلت لك قرارا بطن أمك، وغشيت وجهك بغشاء كي لا تفرع من الرحم وجعلت وجهك إلى ظهر أمك لكي لا تؤذيك رائحة الطعام وجعلت لك متكنا عن يمينك وهو كبد، متكنا على يسارك وهو الطحال وعلمتك القيام والقعود في بطن أمك فهل يقدر على ذلك أحد غيري؟»

«فلما أن تمت مدة حملك أوحيت إلى الملك الموكل بالأرحام أن يخرجك فأخرجك على ريشة من جناحه، لا لك سن تقطع بها ولا يد تبطش بها ولا قدم تسعي عليها انبت لك عرقين رقيقين في صدر أمك»

«ينعان لك لبناً خالصاً حاراً في الشتاء؛ بارداً في الصيف، والقيت محبتك في قلب والديك؛ فلا يشعبان حتى تشبع ولا يرقدان حتى ترقد»

«فلما قوي ظهرك واشتد أزرک بازرتني بالمعاصي واعتمدت على المخلوقين»

«ولم تعتمد على وتستر من يراك وبازرتني بالمعاصي في خلوتك ولم تستحي مني ومع هذا ان دعوتني أجبتك؛ وأن سألتني أعطيتك، وأن تبت إلى قبلتك»

ترجمه: «ای بنی آدم! تو را در شکم مادرت قرار دادم؛ با پوششی چهره ات را پوشانیدم تا در رحم مادرت بی تابی نکنی. صورتت را رو به پشت مادرت قرار دادم تا بوی غذا تو را اذیت نکند. در سمت راستت متکایی قرار دادم که کبد است و در طرف چپت متکایی که طحال است. قیام و قعود را به تو یاد دادم، در حالی که هنوز در شکم مادرت بودی. پس چه کسی به جز من قادر به این چنین کاری است؟ هرگاه مدت حمل مادرت تمام شد به ملائکه‌ی مأمور رحم‌ها وحی کردم تو را خارج سازد. پس تو را بر روی پری از پرهایش خارج ساخت. نه دندانی داشتی که با آن چیزی را قطع کنی و نه دستی داشتی که با آن کاری انجام دهی و نیز پایبی نداشتی که با آن راه بروی. دو عرق رقیق را از سینه‌ی مادرت برایت جوشاندم. و شیری خالص که در زمستان گرم و در تابستان سرد است؛ از آن برای تو سرچشمه می‌گیرد. محبت تو را در دل پدر و مادرت قرار دادم؛ تا تو را

سیر نکنند خودشان سیر نخواهند خورد، تا تو را خوابانند نخواهند خوابید . پس آنگاه که استخوان کمرت قوی شد و تنومند گشتی؛ شروع به نافرمانی من می کنی؛ به مخلوقات اعتماد می کنی، ولی به من بی‌اعتماد هستی . کارهای ناشایست را از دیگران پنهان می کنی، ولی جلو چشم من آشکارا در خلوت گناه می کنی و شرم هم نمی‌کنی . با این وصف؛ اگر مرا بخوانی تو را اجابت می‌کنم؛ اگر از من بخواهی به تو می‌بخشم و اگر توبه کنی توبه ات را می‌پذیرم.»

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

پایان ترجمه 21 / 5 / 1382
شهرستان سقز

مراجع

ش	نام کتاب	مؤلف
1	فی ظلال القرآن	سید قطب (رحمه الله)
2	الجامع لأحكام القرآن	قرطبی
3	تفسیر القرآن العظیم	ابن کثیر
4	روائع البیان	محمد علی صابونی
5	شرح الصدور لتفسیر سورہ النور	شیخ محمد مصطفی ابوالعلاء
6	کتاب الكبائر	امام الحافظ الذہبی
7	محرمات استهان بها الناس	محمد صالح المنجد